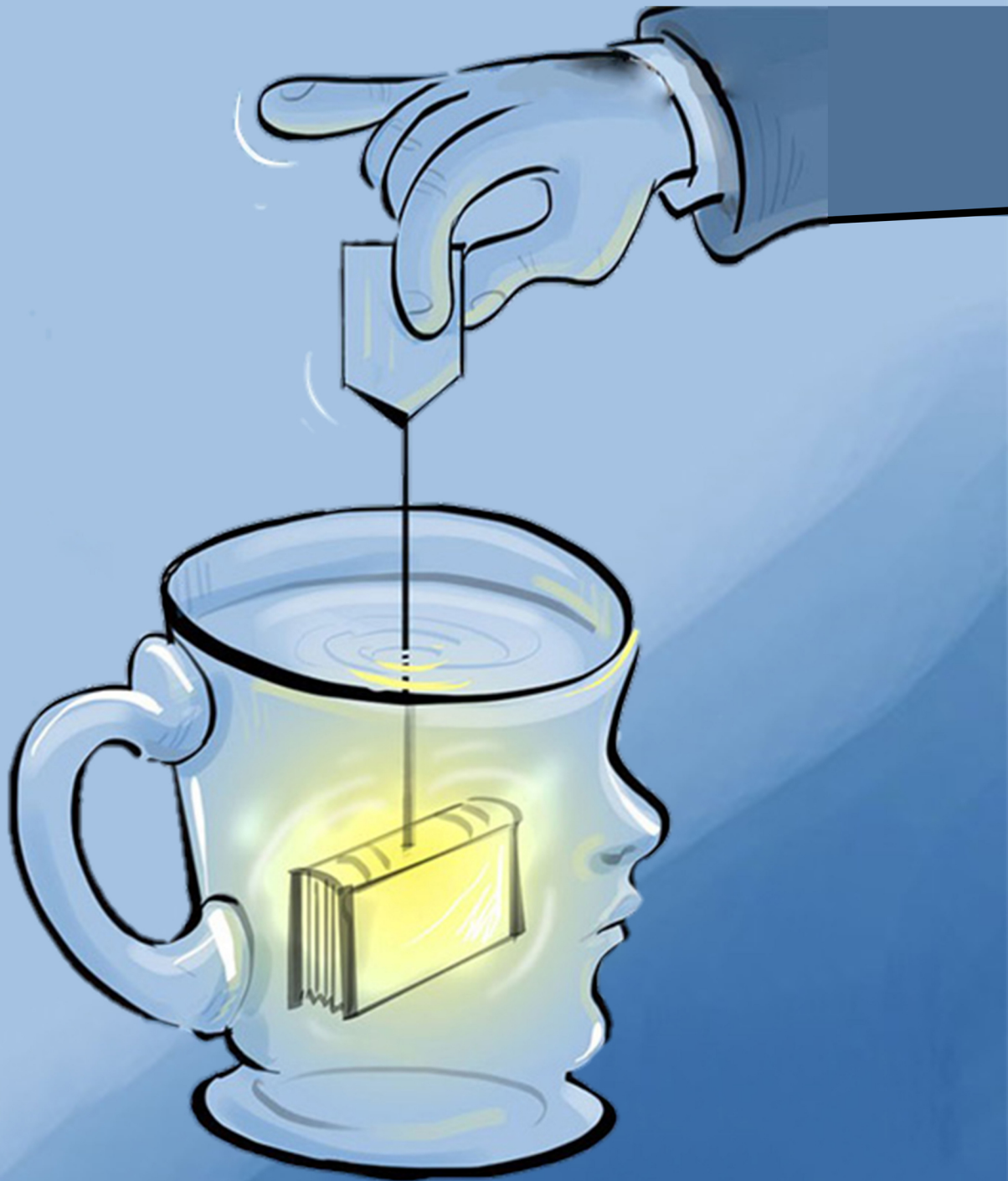


صاحب امتیاز: بسیج دانشگاه فرهنگیان شهید مدنی (ره) قم
مدیر مسئول: سید مهدی اشرفی
سر دبیر: مهدی صدیق
اعضای هیئت تحریریه: احسان اعتمادی، علی شوندی،
حامد میر عماد، ایمان طلیمی، سید مهدی اشرفی،
مهدی صدیق
گرافیکست و صفحه آرا: مهدی صدیق

-- دو ماهنامه ذره بین | سال اول | شماره سوم | پاییز ۱۴۰۱ --



یار نا مهربان کودکی

صفحه ۱

از مکتب تا دبستان «۳»

صفحه ۳

فردای پر سودا

صفحه ۵

ساختن صدای جادویی

صفحه ۶

وقت انقلاب رسیده...

صفحه ۸

عدالت یا ستم

صفحه ۱۰



یار نا مهربان کودکی



کارشناسی آموزش ابتدایی

احسان اعتمادی



سوالی که در اینجا ممکن است ذهن هرکس را به خود مشغول کند این است که چه چیزی باعث می شود که برخی افراد از کودکی و نوجوانی علاقه مند به کتاب و کتابخوانی میشوند؟؟؟

شاید بتوان به این سوال پاسخ های مختلفی داد اما چیزی که ما در اینجا بیش از همه به آن توجه داریم تأثیرات محیطی و جامعه پیرامونی افراد است.

این تأثیرات محیطی می توانند انواع مختلفی داشته باشند، از جمله:

تأثیر از خانواده دوستان فامیل همکلاسی ها معلم و...

همانطور که همه ما میدانیم معلمان یکی از موثرترین افراد در شکل گیری ذهنیت های مختلف انسانها هستند، یک معلم مقطع ابتدایی میتواند هر چیزی را به یک دانش آموز انتقال دهد و با قدرتی که در کلاس دارد برای هر حرف خود از دانش آموزان کلاس تایید

اگر کمی در دهلیز های قدیمی و پیچ در پیچ ذهن خود به جستجو و کاوش بپردازیم به خاطر می آوریم که از کودکی کتاب را برایمان با عنوان یار مهربان معرفی کرده اند، اما چیزی که در مدرسه بصورت هیولایی بدجنس کودکی ما را از فراغت و بازی و تفریح جدا کرد کتاب بود.

پس بصورت ناخودآگاه مفهوم کتاب در ذهن ما از یار مهربان به یار نامهربان تغییر چهره داد و در ادامه نیز همین تصویر را در مقاطع تحصیلی بالاتر و حتی دانشگاه حفظ کرد.

اما همواره افرادی هم بوده اند که فارغ از چگونگی تعریف ذهنی خود از کتاب های درسی، به کتاب های داستانی و علمی علاقه مند بوده و موفق شده اند تا مفهوم کتب درسی را از دیگر کتاب ها جدا نمایند.

چه چیزی باعث شده؟؟؟



بگیرد. اما سوال اینجاست که آیا با این کار دانش آموزان سخنان معلم را پذیرفته و آن را تا ابد به کار می‌بندند؟؟ قطعاً جواب این سوال منفی است، زیرا اگر این کار جواب میداد اکنون موضوع این متن در مورد این بود که چگونه دیگر علاقه مند به کتاب و کتابخوانی نباشیم و اینکه چرا از کودکی به جای خریدن اسباب بازی همواره به دنبال خرید کتاب بوده ایم.

زیرا در مدارس همیشه معلمان میگویند که کتابخوانی یکی از مفیدترین کارهاست و میتواند ما را به موفقیت برساند، اما همانطور که مشهود است اکنون افراد نه تنها به کتاب علاقه مند نیستند بلکه از هر نوع متن و کتاب گریزانند و حتی در بعضی جوامع افراد کتابخوان توسط عمده افراد به سخره گرفته میشوند.

اما همواره معلمان میتوانند ذهنیت شاگردان خود را در مورد کتاب از همان کودکی به طوری شکل دهند که کودک علاقه مند و مشتاق به کتابخوانی شود.

برای مثال اگر معلمان به جای معرفی کتاب به عنوان وسیله ای برای اجبار و امتحان کتاب های داستانی زیبا را به دانش آموزان معرفی کنند و در کنار آن از اجرای نمایش و کشیدن نقاشی در مورد آن داستان بهره ببرند، بدون شک در آینده افراد بیشتر جویای علم و مطالعه خواهند بود و در این صورت باید در انتظار پیشرفت های چشمگیری در عرصه های مختلف نیز باشیم.

اهمیت کتابخوانی برای دانشجو معلم پس تا اینجا دانستیم که یکی از عمده ترین و مهم ترین تأثیراتی که یک فرد در طول زندگی می پذیرد از جهت معلم است و میدانیم که در بعضی موارد تأثیر

و عمیق تر خواهد بود. حال که اینقدر معلم از جایگاه ویژه ای در جامعه و آینده افراد برخوردار است لازم است که علم و دانش او نیز در سطح بالایی باشد تا بتواند همواره از جهت رفتاری در زمینه های مختلف، الگویی مناسب برای کودکان و نوجوانان کشور عزیزمان ایران باشد. یک معلم، زمانی میتواند از علم و آگاهی بالایی برخوردار باشد که با دانش اندوزی از طریق مطالعه و تجربه برای خود اندوخته ای مهیا کرده باشد.

پس ضرورت مطالعه برای دانشجو معلم نه تنها برای رشد فردی خود اوست، بلکه برای جامعه آینده ای که قرار است تحت تعلیمات ایشان ساخته و شکل گرفته شود نیز ضرورت دارد.

پس بیایید از هم اکنون با یکدیگر عهد کنیم که از امروز بخاطر آینده خودمان و فرزندان کشورمان حداقل یک صفحه بیشتر مطالعه داشته باشیم تا با یاری خداوند بتوانیم آینده ای زیبا برای خود و هموعان خود به ارمغان آوریم.



از مکتب تا دبستان «۳»



علی شوندی کارشناسی آموزش ابتدایی



یاد بعضی نفرات

روشنم می دارد:

اعتصام یوسف،

حسن رشديه.

قوتم می بخشد

ره می اندازد

و اجاق کهن سردِ سَرایم

گرم می آید از گرمی عالی دَمِشان.

نام بعضی نفرات

رزقِ روحم شده است.

وقتِ هر دلتنگی

سویشان دارم دست

جرئتم می بخشد

روشنم می دارد.

«نیما یوشیج»

بخشیدن به تعلیم و تربیت در کشور ایران زحمات زیادی را به جان خرید. علاوه بر تأسیس مدارس به سبک نوین، کتب درسی که باید در مدارس تدریس شوند را نیز تألیف کرد. در این نوشتار سعی بر آن است که آثار میرزا حسن - چه آثار آموزشی و چه دیگر آثار او - را مورد بررسی قرار دهیم.

بدايةُ التعلیم (رمضان المبارک ۱۳۱۵)

کتاب بدايةُ التعلیم در سه جلد تألیف شد که تمرکز آن بر خواندن است و نه نوشتن. برای مثال معلم ابتدا کلمات دو صوتی را از هم جدا می کند و باز به هم وصل می کند. مانند: تقسیم می کنیم کلمه پا را /پ.ا=پا

و همین گونه کلمات چند حرفی را تقسیم می کنیم تا دانش آموزان درس را فراگیرند.

جلد دوم این کتاب شامل: ۴۵ درس، ۳۹ دیکته و ۴۵ تمرین است.

جلد سوم این کتاب نیز شامل: ۵۵ درس است.

نمونه ای از تمرین هایی که از دانش آموزان خواسته

میرزا حسن رشديه (۱۲۳۸ - ۱۳۲۴ ش) - مؤسس مدارس نوین در ایران - آن چنان که در نوشته های قبل به آن اشاره شد برای تأسیس مدارس به سبک نوین و جان



شده:

حرف همزه چند شکل دارد و کدام هاست؟

الف با همزه فرقی چیست؟

کفایه التعلیم (ذی حجه الحرام ۱۳۲۳)

کتاب کفایه التعلیم برای اول سال معلمین سال سوم مدارس جدید، در دو جلد طبع شد که اهداف آن به این شرح است: صحت املا، وسعت فکر، حسن تدبیر، قلع نفاق، خلع تزویر، محبت به وطن، فدویت بر دولت و ملت، سرعت انتقال، تمیز حسن و قبح افعال، رسوخ در مذهب، تبعیت و ادب، جلای ذهن، تجنب از رذایل، رغبت بر کسب فضایل و اصلاح دیگر خصایل، جودت ذهن، طلاقیت بیان، خرق اوهام، ایمان به غیب، رفع شبهات، محو بدعات، معنی خیرات، قلع مواد جنبیه، تحریک روح انفعال، شامت مطالبات ناموجه، وخامت غلط بخشی.

جلد اول کفایه التعلیم شامل ۱۲۰ درس است که در ذیل هر درس جمله «دو دفعه از رو، یک دفعه از حفظ بنویسد» به عنوان تکلیف نوشته شده است.

جلد دوم کتاب نیز شامل ۲۷۹ درس می شد که در ذیل هر درس جمله «معنی لغات و حاصل کلام را ضبط کن» به عنوان تکلیف نوشته شده است.

نهایه التعلیم (شعبان ۱۳۱۸)

کتاب نهایه التعلیم نیز مانند کتاب های بدایه التعلیم و کفایه التعلیم به آموزش خواندن و نوشتن می پرداخت که شامل ۵۵ درس بود. در ذیل هر درس تلقین و تمرین قرار گرفته تا متعلمین درس را به خوبی فرا گیرند.

نمونه ای از تلقین هایی که از دانش آموزان پرسیده می شده است:

پنج کلمه بنویسد که دوتا حرف حلق داشته باشند.

حروف غیر ملفوظه کدامند؟

کلمه چیست؟

هدایه التعلیم (رمضان ۱۳۲۱)

در ابتدای این کتاب به اهمیت آموزش الفبا به شیوه ای نوین پرداخته شده و آموزش الفبا به سبک قدیمی و مکتب خانه ای را بی فایده برشمرد. میرزا حسن در کتاب مذکور شیوه های تعلیم را به کسانی که در امر تعلیم و تربیت نقشی داشته اند توضیح می دهد و از اهمیت این راه برای آنها می گوید.

کتاب هدایه التعلیم شامل ۴۰ درس و ۴۰ تلقین (پرسشنامه) می شد.

نمونه ای از تلقین ها:

نقطه بر چند قسم است؟

خط مستقیم بر چند قسم است؟

محدّب یعنی چه و مقعر یعنی چه؟

صرف فارسی (۱۳۲۸)

به جهت نوآموزان مدراس پسران و دختران به شیوه ای آسان و ساده نوشته شد. شامل ۴۰ درس، تلقینات و تمرین متنوعی بود. میرزا حسن در درس اول این کتاب، صرف را این گونه معنی می کند: «صرف در زبان علما، گردانیدن مصدر است به سوی صیغه های

مختلفه تا حاصل شود معنی های مختلفه. و مصدر کلمه ای است که در آخر آن «تن» باشد یا «دن» چون:

نوشتن، خواندن، خوردن، خفتن.»

نمونه هایی از تلقین های نوشته شده:

صرف در زبان علما چیست؟

مصدر چه کلمه ای است؟

فعل نهی چه کلمه ای است؟

المشتقات (محرم ۱۳۳۸)

این کتاب در کلاس های دوم و سوم مورد استفاده قرار می گرفته و کتاب کفایه التعلیم - جلد اول و دوم - تکمیل کننده ی این کتاب بوده اند.

شامل ۵۰ درس بوده که در هر درس از متعلمین می خواسته تا مشتقات یک کلمه را بگویند و بنویسند. برای مثال در درس اول این کتاب آمده است که: «از مشتقات کلمه توحید، چند کلام بگو و بنویس.»

صد درس (۱۳۴۷)

مخصوص متعلمین کلاس دوم و سوم ابتدایی بوده است. هر درس این کتاب عموماً شامل ۱۰ یا ۹ جمله اخلاقی و ادبی می شود که جمع آن ها ۹۹۶ جمله است.

شرعیات/سال اول و دوم (شوال ۱۳۲۹)

۴۸ درس را شامل می شود که در درس اول دین را تعریف و در درس دوم اصول دین را نام برده و شرح می دهد در دروس بعدی نیز به دیگر مسائل دینی و مذهبی می پردازد.

در درس اول این کتاب دین را اینگونه تعریف کرده است: «دین، یک درختی است که به دست پیغمبران در دل مومنان کاشته شده است. مادران و پدران و معلمان آن درخت را باید طوری نگهداری کنند که خشک نشود. ریشه های آن درخت، اصول دین است و شاخه های آن درخت، فروع دین و میوه های آن درخت سعادت دنیا و آخرت است.»

اصول عقاید یا اتحاد بشر (محرم ۱۳۳۴)

در درس اول، سبب نوشتن کتاب را بیان کرده اند. در دروس بعدی نیز راجع به اصول عقاید - توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد - سخن رانده. کتاب مذکور شامل ۵۹ درس بوده.

در درس چهارم این کتاب که "خدا کامل است" نام دارد درباره ی صفات ثبوتیه و سلبیه اینگونه نوشته شده است: «صفات کمال را صفات ثبوتیه گویند و صفات نقصی را صفات سلبیه. صفات ثبوتیه عبارت است از علم و قدرت و حیات و مانند آنها. صفات سلبیه عبارت است از جهل و عجز و حاجت و ترکیب و نحو این ها.»

میرزا حسن رشیدی، به جز کتبی که نام بردیم؛ در سال ۱۳۲۳ نظامنامه ای تحت عنوان "نظامنامه مدرسه مبارکه رشیدی" را در تهران و نشریه "مکتب" را به صورت عجلتاً هفتگی به چاپ رساند.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست...



فردای پر سودا



کارشناسی آموزش ابتدایی

سید حامد میر عماد

ز جانی که شریف است و چه محبوس است در دنیا

به نام او، خدایی که توقع داشت دانش را

مگر کابوس ما دارند فرجامی به آرایش

تصورهای ماعاریست از هرگونه آسایش

که این دوران دانشگاه، باشد در اسکین

سه سال سخت تحصیلی، گذشت اما، به عشق این

بسی مضحک، حزن از آن و از فردای پر سودا

گمان کردیم باشد عاری از مثل، و این رویا

مکس پاخته در دیکند، مان! این نیز کیفیت...!

چه گویم من؟ ز اغذیه؟ از آن مقدار و کیت؟!

به با کفشد برپا کن، همان بنای تک بعدی

تفکرهای افراطی و منطقهای تک بعدی!

منادی کر به اخلاقی و خود فارغ ز اخلاقی...

تبعیت ز برخی نطق لقمان را، چه مصداقی...!

نخواهی یافت پس خابش، که فردا تحت تعقیبی

تو حق انتخاب را در این آرای تصویبی

ز دانشجو معلم ما، توقع ما چه مطلوبست...!

زمانی که چنین مجمع، گرفتار است و معیوبست

مباشی منتقل حتی به یک سخط زهر کردار

در این منزل، سرای غم، اگر مستی اگر بهشمار



ساختن صدای جادویی



کارشناسی آموزش ابتدایی

ایمان طلیمی



آنها دست و پنجه نرم میکنیم را نام میبرم و درمان اورژانسی آنها را به اختصار عرض میکنم : الف؛ استفاده از گچ و تخته های گچی : گرد های گچ نه تنها باعث تخریب تارهای صوتی میشود بلکه التهاب و خشک شدن حنجره را به دنبال دارد و موجب سرفه های شدید همراه با سوزش میشود ، خود گچ نیز موجب از بین رفتن پوست دست میشود/ برای درمان خشکی حنجره و سرفه حاصل از نشستن غبار گچ و خاک به حنجره می توانید از جوشانده (چهار تخمه) و یا دم کرده گیاه زوفا و یا بنفشه استفاده کنید ، در صورت عدم دسترسی به این موارد میتوانید از آب گرم و یا شربت سینه استفاده کنید همچنین از ماسک مرطوب برای پیشگیری از آن استفاده کنید ب؛ عدم استفاده درست از تارهای صوتی : آشنا نبودن با آناتومی حنجره و تار های صوتی ، رعایت نکردن گام های آوایی باعث فشار به تارهای صوتی و التهاب آن میشود/ برای درمان و بهبود این مشکل باید همیشه با گام پایین صحبت را آغاز کنیم و از تند حرف زدن جلوگیری کنیم و تمرین های صداسازی را انجام دهیم(با سرچ در گوگل با تمرین های صداسازی آشنا شوید) همچنین برای بهبود اورژانسی این مشکل از ماساژ ملایم گلو با روغن زیتون یا نارگیل کمک

آیا میدانستید عوامل زیادی بر حنجره و تارهای صوتی ما اثر گذارند ؟

تا کنون به این فکر کرده اید تغذیه چقدر میتواند در صدای ما اثر گذار باشد ؟

حنجره انسان از ماهیچه ها ، غضروف ها و بخش های مختلفی از جمله تارهای صوتی تشکیل شده است . حنجره انسان کارکرد های مختلفی را بر عهده دارد . برای مثال محافظت از راه هوایی ، تولید آوا ، و تنفس بر عهده حنجره میباشد . فی الحال سر صحبت ما با تارهای صوتی است که مهم ترین قسمت های حنجره را تشکیل می دهد.

ما معلمان و مدرسان مانند گویندگان در طول سالها تدریس خود ، استفاده زیادی از صدایمان میکنیم . به همین دلیل لازم است که با اصول بهداشت ، سلامت و درمان اعضای تولید کننده صدای خود آشنا باشیم.

تار های صوتی (vocal fold) در انتهای لوله حنجره به صورت ۷ شکلی قرار دارد . عبور هوا از تارهای صوتی باعث ارتعاش آنها در نتیجه تولید صدا میشود .

حالا که با آناتومی و نحوه کارکرد حنجره و تارهای صوتی آشنا شدیم ؛ برخی از عواملی که موجب آسیب به تارهای صوتی میشوند و ما بیشتر با آنها دست و

دفع آب از بدن می شود و دفع آب به معنی این است که بدن ما نمی تواند مایع مخاطی موجود در حنجره را تامین کند و در طول تدریس ما را با مشکل مواجه می کند. ه؛ چای و قهوه: دلیل اصلی ضرر چای و قهوه هم کافئین زیاد می باشد که توضیح داده شد و؛ غذاهای چرب: استفاده زیاد از غذاهایی با چربی بالا خصوصاً سرخکردنی ها، برای صدا و همچنین برای سیستم گوارشی ضرر آفرین است ی؛ غذاهای حساسیت زا: استفاده از غذاهای حساسیت زا قبل از شروع یک تدریس توصیه نمیشود (معمولاً خوراکی هایی با نیع گرم و خشک). برخی از این غذاها عبارتند از خربزه، فلفل، ادویه جات، آجیل ها و...

پس چه بخوریم؟؟؟

پیشنهاد من این است که از تمام مواد غذایی فوق استفاده کنید، اما با تعادل.

فقط در خوردن مواد غذایی باید دقت داشته باشید که قبل از شروع تدریس نباشد.

اعتدال در هر چیزی خوب است

حتی خوردن آب زیاد هم موجب زیان به بدن ما میشود.

در آخر چند چیز برای تقویت حنجره در اوقات ضروری پیشنهاد میکنم:

داروی روتارین (تهیه در داروخانه)

خوردن خیار قبل از شروع تدریس

نوشیدن آب ولرم در حد اعتدال

خوردن به دانه

استفاده از انفیه (یکبار در ماه)

با استعانت از محضر خداوند متعال و کسب همدلی شما عزیزان، در آینده، نکات دیگری را به قلم خواهیم آورد...!

بگیرید. ج؛ آلرژی، عفونت ویروس، اسید معده، دود سیگار و مصرف مشروبات الکلی: این چند مورد که ذکر شد در برخی از موارد باعث تورم (aryngitisL) حنجره میشود که در اشخاص کمی بعد از ادامه دار بودن این موارد موجب تغییر صدا و یا از دست دادن صدا می شود/ برای پیشگیری و درمان این موارد به پزشک متخصص مراجعه کنید، همچنین برای اسید معده میتوانید از ترکیب پودر گیاهان زنیان، سیاهدانه و آویشن به مقدار یکسان قبل و بعد از غذا یک قاشق مربا خوری استفاده کنید.

برخی از خوراکی ها هستند که به موجب آسیب به تارهای صوتی میشوند، برخی از آنها را نام میبریم: الف؛ قند و شکر سفید: قند، شکر و شیرینیجات به دلیل اینکه باعث غلیظ شدن مایع مخاطی می شوند برای تارهای صوتی ما مضر هستند. باید در استفاده از آنها پرهیز کرد و بیشتر از شیرینیجات طبیعی مثل کشمش استفاده کرد که تاثیرات مخرب کمتری دارند ب؛ انواع لبنیات: لبنیات هم دقیقاً مثل قند و شکر باعث غلیظ شدن مایع مخاطی موجود در حنجره ما می شود فلذا باید کم مصرف شود یا حداقل قبل از تدریس استفاده نشود «به استثناء شیر گرم که برای صدا مفید است».

ج؛ سیگار و قلیان: سیگار و قلیان و کلاً هر نوع دود یا ماده مخدر دودزا برای صدا و تارهای صوتی ما مضر است، دلیلش این است که دود موجود در سیگار یا قلیان باعث خشکی تارهای صوتی ما می شود در نتیجه موجب می شود تا حنجره ما به مرور زمان آسیب ببیند. نکته: اینگونه موارد مانند سیگار و قلیان در مرتبه اول به صدا بهبود می بخشد، اما به مرور به آن آسیب میزند. د؛ نوشابه و نوشیدنی های گازدار: علاوه بر مضرات فراوان گازها و قند موجود در این نوشیدنی ها، اکثر آنها حاوی کافئین هستند و کافئین هم باعث



وقت انقلاب رسیده...



کارشناسی آموزش ابتدایی

سید مهدی اشرفی



دو ماهنامه ذره بین | سال اول | شماره سوم | پاییز ۱۴۰۱

قبل برگردیم سال ۱۳۵۹ امام «ره» بلافاصله بعد از فراهم کردن مقدمات تشکیل دولت دستور تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را میدهد زیرا خوب میدانند که پروژه اصلی دشمن در ایران اسلامی تغییر نگرش مردم نسبت به دین و جدایی دین از سیاست بوده است. پس ماموریت هایی برای این ستاد تعریف می شود که در بند دو ماموریت آنها به طور صریح درباره تحول در دانشگاه ها، مدارس و مراکز فرهنگی هنری بر اساس فرهنگ صحیح اسلامی را در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار میدهد. اما این ستاد «که چندی بعد به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر نام پیدا کرد» نتوانست به طور کامل وظیفه خود را برای تحول در نظام تعلیم و تربیت انجام دهد و به اخراج برخی از

صدای زن، زندگی، آزادی این بار از مدارس به گوش میرسد. روی نیمکت ها پشت قاب عکس ها، روی تخته ها شعار «زن، زندگی، آزادی» حک شده است. کلیپ های کشف حجاب توسط دانش آموزان در فضای مدرسه در حال دست به دست شدن است. در دانشگاه ها از دعوا، درگیری و تجمع خبر میرسد. دختر و پسر کنار هم جمع شده و شعار «زن، زندگی، آزادی» را فریاد میزنند. مسئولین از خواب غفلت بیدار شده، هاج و واج شعارها را گوش میدهند و از دل واپسی نمیدانند چه کنند و با خود میگویند آخر شما که تحصیل کرده اید چرا اعتراض می کنید؟ حال باید دید جریان چیست؟ برای پیدا کردن جواب سوال خود باید به ۴۲ سال



از اساتید، معلمان و کارکنان آموزش و پرورش و دانشگاه ها اکتفا کرد و برای اسلامی شدن متون و کتب درسی در مدارس به اصلاحاتی از قبیل تغییر کتاب ها، سانسور عکس ها، جایگزینی عکس ها و تغییر برخی از متن هایی که دارای مشکل فاحش بود پرداخته شد. در دانشگاه که اوضاع از این هم اسف بار تر بود، تحول در دانشگاه به اضافه کردن تعداد واحد درسی معارفی بسنده شد. خوب حالا از نظر شورای عالی انقلاب کار تمام شده است، انقلاب فرهنگی اتفاق افتاده و دروس مدارس و دانشگاه ها اسلامی شده است. البته بماند که حضور افرادی مانند علی شریعتمداری، حسن حبیبی، عبد الکریم سروش، سید محمد خاتمی قطعاً در این روند بی تاثیر نبوده. اما آیا دانشگاه ها واقعاً اسلامی شده است؟ انگار بعد از انقلاب فرهنگی نیز تفاوتی در دانشگاه ها به وجود نیامده و دانشگاه ها مراکزی برای جذب گروه های انحرافی و افراطی شده است.

وقتی یک مدل یا تکنولوژی از کشوری به کشور دیگر منتقل می شود باید در آن کشور بومی سازی شده و اهداف آن بر اساس اندیشه فکری و فرهنگ آن کشور تنظیم شود تا کمترین آسیب و بیشترین بازده را داشته باشد این اتفاقی است که در مدارس و دانشگاه های ما رخ نداد به صورت کاملاً تقلیدی به کشور وارد شد. این تقلید به حدی بود که دانش آموزان ما حتی باید لباس فرم هایی را می پوشیدند که غربی ها در مدارسشان از آنها استفاده میکردند. یا در دانشگاه های ما تقلید به حدی انجام شده بود که حجاب نداشتن برای زنان شرط ورود به کلاس ها شده بود و...

کسی نمی تواند بگوید که مدارس و دانشگاه های ولو کاملاً غربی باعث پیشرفت کشور نشده، ابداً، اما باید در نظر داشت که اگر این مدارس و دانشگاه ها بومی سازی میشدند بسیاری از مشکلات حاضر برای کشور به وجود نمی آمد و ما در تحصیل کرده های خود با عاملی به نام بیکاری مواجه نمیشدیم، مهاجرت های فوق العاده فراوان از روستا ها و شهرستان ها را به شهر های بزرگ نداشتیم، آسیب های حاشیه نشینی و

معضلات اجتماعی به حداقل میرسد و..... امروزه بسیاری از مشکلات کشور ما ریشه در تعلیم و تربیت ما دارد و تا زمانی که در این نظام به معنی واقعی کلمه و بر اساس نگاهی که رهبری معظم انقلاب دارند تحول ایجاد نشود ما نمیتوانیم به پیشران بودن کشور در تمامی عرصه ها امیدوار باشیم. در عصر حاضر جامعه ما مبهوت غرب بوده -وقتی از غرب صحبت می کنیم یعنی اندیشه غرب به دنیا که کاملاً مادی و تک بعدی است -کتاب های غربی میخواند، لباس های غربی را دوست دارد، آزادی غربی را میخواهد، با تک تک سلول های خود در اندیشه غرب غوطه ور است و غرب برای آن زرق و برق ویژه ای دارد. چرا؟ چون روح جامعه ما، کتاب های ما و آموزش غیر رسمی ما تماماً دارد تبلیغ زندگی به سبک اندیشه غربی را به ما آموزش می دهد، برای ما سود را کسب منفعت با هر روش، شجاعت را به گستاخی، عشق را به هوس بازی، عدالت را به حاکمیت نظام سرمایه داری و آزادی را به آزاد بودن افعال جنسی معنی می کند. ما چه میکنیم؟

به جای به هم زدن معادلات مدارس غربی، برای اسلامی شدنش، مدیریتش را فردی مذهبی و ریشو گذاریم، معاون پرورشی در ساختار تعریف میکنیم، روحانی طرح امین در مدارس می گذاریم. بی توجه به آن که این مدرسه کارخانه تولید اندیشه غرب است و با این سازوکار ها شما فقط روند این تولید را کم می شود ولی برابند تولید باز اندیشه غرب است، باز تبعیض است، باز رقابت ها بر سر خود خواهی است و باز تولید تمام مشکلات جامعه است.

در آخر چه زیباست که نوع نگاه خود را به تعلیم و تربیت نه دچار تغییر بلکه دچار تحول کنیم و در این عرصه دنبال انقلاب باشیم، و آموزش و پرورش خود را نه با اندیشه غرب بلکه با اندیشه های اسلامی پایه ریزی کنیم و آن زمان است که معلمان به معنی واقعی کلمه میتوانند پایه ریز تمدن اسلامی باشند.



عدالت یا بی‌عدالتی



کارشناسی آموزش ابتدایی

مهدی صدیق



کوچک هست که در بعضی مواقع که جایی برای نشستن نیست دانشجویان مجبور میشوند غذایشان را در کلاس های کنار سلف نوش جان بکنند.

بله، مرکز آموزش عالی شهید مدنی محیط کوچکی دارد و گنجایش این چند مورد خدماتی که در بالا ذکر شد را ندارد، اما چرا باید این ساختمان فرسوده و کوچک در اختیار نهاد بزرگ و پر اهمیت فرهنگی که طبق سخنان رهبری مرکز ثقل تعلیم و تربیت است قرار بگیرد؟

خسته شدیم از کامپیوتر های فرسوده و قدیمی که تعدادشان اینقدر اندک است که در بیشتر مواقع مجبور به استفاده دو یا حتی سه به یکی از سیستم ها میشویم.

این ساختمان فرسوده با در اختیار داشتن بیش از ۴۰۰ دانشجو معلم، نخست به نهاد فرهنگیان و سپس به دانشجویان این مرکز توهین بزرگی میباشد.

حتی سردر این مرکز که یک بنر ۸۰ سانتی است زشت ترین و ساده ترین تابلوی فرهنگیان کل کشور میباشد که به چشم همه دانشجویان خورده است! از آن بدتر سردر ورودی ساختمان کلاس ها میباشد که حتی نام مرکز آموزش عالی مدنی در آن دیده نمیشود و اسم مرکز آموزش عالی ابوریحان که در چند سال

حدود چهار سال از اولین جذب دانشجو معلم جدید در مرکز آموزش عالی شهید مدنی میگذرد، اما آیا در این چهار سال، خدمات و یا حتی ساختمانی که در اختیار این مرکز قرار گرفته است در خور دانشجویان این مرکز میباشد؟

دارایی های مرکز آموزش عالی شهید مدنی، یک سالن ورزشی که آن هم گویا اجاره داده اند است که همیشه زمین آن کثیف و دارای کمبود های بسیار هست و از آن طرف یک آزمایشگاه که سال ها در گوشه ای افتاده و اتاق آن در حال خاک خوردن است.

اما در آن سمت، پردیس های دیگر استان قم، در منطقه بسیار بهتری واقع شده اند و دارای امکانات بیشتر و بهتری مانند یک سالن ورزشی مطلوب تر، سالن بدنسازی، زمین چمن و ... است!

آیا خون دانشجویان پردیس های دیگر رنگین تر از دانشجویان مرکز شهید مدنی است که محل تحصیل این عزیزان در یکی از محله های محروم استان و دانشگاه آنان دارای کمبود های زیاد است؟

از صف شلوغ سلف و کوچک بودن آن بگوییم یا نداشتن یک سالن جمع و جور برای برگزاری امتحانات و همایش های مختلف! از سلف کوچک گفتیم! آن سلف آنقدر کوچک هست

و با افتخار میگویند غذاها را دو منویی کردیم اما این چه دو منویی بودن است که اولاً باید از بین قیمه ی بیمزه یا هویج پلو یکی را انتخاب کرد و ثانیاً، همین به اصطلاح دو منویی بودنشان یک هفته قابلیتش در سایت امکان پذیر هست و هفته دیگر خیر!

آیا یکبار شده است موقع صرف غذا بالاسر غذاها بیایید و غذاها را چک کنید؟ آیا سر میز دانشجویان رفته اید تا جویای کیفیت غذاها بشوید؟

دوستان و همکاران من در شورای صنفی مرکز آموزش عالی شهید مدنی، آیا وظیفه خودتان را در این پستی که میباشید میدانید؟ چند مورد از وظایف شورای صنفی در دانشگاه مربوط به تغذیه، رفت و آمد، فعالیت های فرهنگی، علمی، تفریحی و... است. حالا که این موارد گفته شد انصاف را رعایت کرده و به خودتان نمره دهید!

مرکز آموزش عالی شهید مدنی را میشود به هر چیزی تشبیه کرد جز دانشگاه فرهنگیان و مرکز مقدس تربیت معلم!

آخر چرا؟ دانشجویان این مرکز تبعید شدگان فرهنگیان هستند که در این مرکز تحصیل میکنند؟

در این مقایسه هدفمان به هیچ وجه توهین و جسارت به دانشجویان و همکارانمان در پردیس های دیگر استان نبوده، چرا که هر زمانی میزبان این عزیزان در مرکز شهید مدنی بوده ایم همه ی آنها اقرار به این واقعیات داشتند.

دانشجویان مرکز آموزش عالی شهید مدنی هم قرار است بعد چهار سال جزوی از معلمان ایران عزیزمان باشند. امیدوار هستیم اقدامات مثبت و موثری چه در حوزه های آموزشی، ورزشی و تفریحی و چه در مورد ساختمان که محل تحصیل بیش از ۴۰۰ دانشجو میباشد، از مسئولان مربوطه ببینیم.

قبل مدرسه ای بوده به چشم میخورد! صندلی های بعضی از کلاس ها اگر اغراق نکنم حداقل برای ۲۰ الی ۳۰ سال پیش میباشد. صندلی های چوبی سفت و کوچک که حتی در مدارس محروم هم از آن ها استفاده نمیشود.

این دانشگاه و دانشجویانش به قدری مورد بی توجهی قرار گرفتند که در سفر چندی قبل جناب صحرایی، ریاست دانشگاه فرهنگیان کل کشور به استان قم، جهت بررسی پردیس های استان، کمترین توجه و اهمیت به دانشجویان این مرکز قرار گرفت، چرا که جناب رییس و هیئت همراه کننده ایشان بر خلاف دو پردیس دیگر که جلساتی با حضور ایشان برگزار کردند و دغدغه های دانشجویان آن پردیس ها را شنیدند حتی جلسه ای با دانشجویان مرکز شهید مدنی برگزار نکردند!

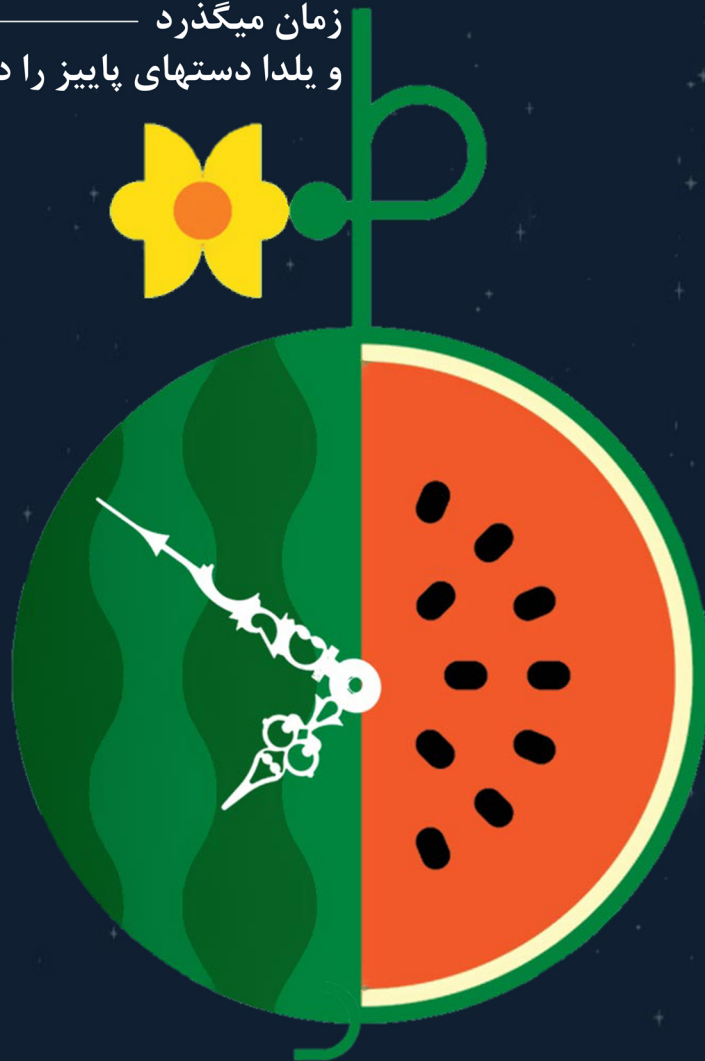
وای از آن روز که ساعت ۴ بعد ظهر به بعد کلاس داشته باشید! کارمند یا مسئولی را پیدا نمیکنید تا در دانشگاه حضور داشته باشد تا جوابگوی نیازهای دانشجویان باشد.

از آن جالب تر مواردی دیده شده که برای تحویل لپتاپ به دانشجویان جهت استفاده استاد در کلاس درس، از دانشجو مدارک شناسایی گرفتند و تا وقتی که لپتاپ را به مسئولان پس ندهد کارت شناسایی در اختیار آن قرار میگیرد!

حتی بعضی از اعضای شورای صنفی این دانشگاه از جنس دانشجو نیستند! حدوداً ۷ ماه از انتخابات شورای صنفی گذشت اما مسئولان آن، تنها تلاششان تعطیل کردن کلاس ها برای بازی ایران در جام جهانی بود که آن هم بر اساس دستور عمل سازمان مرکزی کلاس ها تعطیل شد! خودشان با افتخار چندین بار چه در فضای مجازی و چه در بین دانشجویان سینه رو سپر



زمان میگذرد
و یلدا دستهای پاییز را در دستان زمستان میگذارد



جهت اطلاع از آخرین اتفاقات
اخبار نشریه ذره بین، آموزش و
تعلیم و تربیت به کانال های ما
در شبکه های اجتماعی
بپیوندید.



کدام یک از بخش های نشریه را بیشتر میپسندید؟
تیرم مطالبی که بیشتر پسندیدید را برای ما از طریق راه های اعلام شده
ارسال کنید.

فرستادن

نشریه دانشجویی ذره بین دانشگاه فرهنگیان شهید مدنی قم بدینوسیله از همه
دانشجویان توانمند در عرصه های نویسندگی و ویراستاری دعوت به عمل
می آورد تا برای عضویت در شبکه نویسندگان و ویراستاران اعلام حضور بکنند.
بدین جهت عزیزان علاقمند، نام و نام خانوادگی، شماره تماس و زمینه
نویسندگی شان را از طریق پل های ارتباطی اعلام نمایند.
منتظر همراهی شما هستیم!

همکاری